



ایل گویجی

نشریه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

شماره ۶ - تابستان ۶۵

- در این شماره :
- ۱ - از پیش نهاد حزب دموکرات کردستان ایران پیرامون
 - ۲ - جبهه دموکراتیک ضد امپریالیستی استقبال می‌کنیم ... ۳
 - ۳ - شش سال کشتار و ویرانی
 - ۴ - اوروش بیوک بولسون
 - ۵ - گسترش مبارزه خلق بلوچ
 - ۶ - به یاد فرزند دلاور خلق ترکمن، معلم شهید
 - ۷ - حکیم مختوم
 - ۸ - گیده لینگ دوشمان اوستونه
 - ۹ - گرامی باد خاطره فرزند مبارز خلق ترکمن
 - ۱۰ - حالی حالی زاده (القنر)
 - ۱۱ - "بگلر"
 - ۱۲ - کمیته شاعر تهیدستان
 - ۱۳ - مفهوم چندواژه در موسیقی خلق ترکمن، نقش باخشی ها
 - ۱۴ - در گذشته و امروز

www.iran-archive.com

ایل گویجی (قدرت خلق)
 نشریه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن
 دوره دوم سال دوم شماره ۶ - تابستان ۱۳۶۵

از پیش نهاد حزب دمکرات کردستان ایران پیرامون جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی استقبال می کنیم

خمینی و رژیمش هنوز بر سر کار نمانده به علت نیرومندی و تشبیت رژیم جمهوری اسلامی بلکه از ضعف و پراکنندگی و بالاخره بی برنامگی نیروهای مخالف دموکراتیک است رژیم خمینی را بحران عمیق فرا گرفته است. بن بست جنگ و نارضایتی مردم از ادا نه آن، تکیه رژیم بر سرنیزه و اعدام، شکنجه و زندانی کردن هزاران نفر، محسوس آزادیهای سیاسی، تشدید وابستگی اقتصادی و گرانی و تورم و بیکاری و سیل مهاجرت روستائیان، جنگ داخلی در کردستان و وضع خراب آموزش و بهداشت در کشور و... همه و همه اجزاء این بحران را تشکیل می دهند. بحران عمیق جامعه تشدید اختلافات درون هیات حاکمه انجامیده است. عملاً گردانندگان رژیم جمهوری اسلامی که زمانی توانستند با وعده و وعید مردم را فریب دهند، بیش از پیش مشت آنها را باز کرده است. نارضایتی توده ها از اوضاع هر چه بیشتر اوج می گیرد. رژیم پایگاه خود را در میان

حزب دموکرات کردستان ایران در سرمقاله ارگان خود "کردستان" (شماره ۱۱۴، ۱۲ دیبهبشت ۱۳۶۵) هم سه نیروهای ترقیخواه را به تشکیل جبهه نیروهای ضد امپریالیستی دموکراتیک فراخوانده است. در این مقاله ضمن اشاره به بحران عمیق اقتصادی اجتماعی، سیاسی و... موجود در ایران و افزایش نارضایتی توده ها از رژیم خمینی و خلاصه وجودیک آلترناتیو دموکراتیک بر ضرورت مبرم تشکیل این جبهه تاکید می گردد. کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن از این پیشنهاد استقبال می نماید و آن را شرط مهم پیروزی بر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و نجات خلقهای میهن مان از سر حکومت جهل و جنایت خمینی می داند.

ضعف تاریخی جنبش انقلابی خلقهای ایران یعنی تفرقه و پراکنندگی آن واقعیتی است که امروز هیچ نیروی انقلابی کشور ما نمیتواند و نباید آن را نادیده بگیرد. همانگونه که در سرمقاله "کردستان" آمده است: "اگر

سرنگون باد رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

توده‌ها از دست داده است و تنا سب نیروهای اجتماعی به ضرر روحانیون حاکم تغییر کرده است. زمینه‌های عینی سرگونی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی فراهم شده است. مردم میهن ما دیگر از خمینی روی برگردانده اند و برای آغاز نبرد نهایی بدنبال نیرویی هستند که مورد اعتماد داوران باشد. اوضاع بگونه‌ای شده است که حتی

ضد انقلاب مغلوب و سلطنت طلبان خواب تجدید "روزهای طلایی" حاکمیت خود را می‌بینند. در این میسبان نیروهای ضد امپریالیستی دموکراتیک میهن ما هر چند علی‌رغم فشارهای رژیم در جهت آگاه کردن توده‌ها و سازماندهی و متشکل کردن آنها تلاش می‌ورزند، اما واقعیت اینست که عامل ذهنی از سطح مبارزات جباری توده‌ها در میهن ما و زمینه‌های عینی انقلاب بر ما تب عقب‌تر هستند. رژیم خمینی نیز با تمام نیرو سعی می‌کند که هیچ گونه آلترناتیو انقلابی که بتواند توده‌ها را در مبارزه‌اشان علیه حاکمیت بسیج و هدایت کند، شکل نگیرد.

بر اساس این واقعیات امروز، دیگر در شرایطی که جنبش انقلابی میهن ما نیازمی به اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی دموکراتیک دارد، پاسخ ندادن به این ضرورت گناهی نا بخشودنی است. در سهای انقلاب بهمن نیز این را به ما یادآوری می‌کند. در پناه اتحاد نسبی نیروهای خلق بود که رژیم شاهنشاهی به زباله‌دانی تاریخ فرستاده شد. شوراها تشکیل گردید. زمینه‌ها

مصا دره گشت. کردستان و ترکمن صحرا طی دوره محدودی از نوعی خودمختاری برخوردار گردیدند. همین در سهای ما می‌گویند که با ید به فکر روزهای خیزش خلق و رویا رویی آن با رژیم حاکم بود. نیا ید گذاشت با زهم ارتجاع و امپریالیسم میوه چینا نا انقلاب باشد.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن که با زتاب دهنده آمال و آرزوها و مبارزه خلق ترکمن و زحمتکشان ترکمن صحرا در راه کسب حقوق ملی و اجتماعی خود می‌باشند، از همان ابتدای پیدایش خود بر اتحاد نیروهای خلق پای فشرده است. در راستای همین سیاست اصولی بود که ما در "شورای همبستگی خلقها" به همراه حزب دموکرات کردستان شرکت جستیم. تجربه این اتحاد برای کانون بسیار ارزنده بود. اکنون که دوباره با فراخوان حزب دموکرات کردستان ایران زمینه اتحاد فراهم آمده است کانون با تکیه بر تجربه و سوابق گذشته همکاریمان با حزب دموکرات بدان پاسخ مثبت می‌دهد و بنوبه خود برای تشکیل جبهه ضد امپریالیستی دموکراتیک اعلام آمادگی می‌نماید.

همانطور که در مقاله "کردستان" آمده است، تجربه انقلاب بهمن نیز نشان داد، جبهه نیروهای ضد امپریالیستی دموکراتیک نه تنها برای سرگونی رژیم می‌باشد بلکه با ید داران ایران ما ای مردمی برای تشکیل یک رژیم دموکراتیک باشد. این برنامهدار اهداف اساسی انقلاب شامل صلح،

بقیه در صفحه ۱۱

پیرلشماک چالیشماق اوستون ینگیش قازانماق

شش سال کشتار و ویرانی

می‌توان درباره نتایج فاجعه بار آن قضاوت کرد.

جنگ برای میهن ما چه همراه آورده است؟

امروز در میهن ما کمتر خانواده‌ای است که در عزای عزیزی به سوگ ننشسته باشد. میلیون‌ها جوان ایرانی عراقی بخاطر مطامع دورویی و جنایتکارانه کشته شده‌اند، یا مجروح و معلول و اسیر شده‌اند و یا در جبهه‌های جنگ با اهریمن مرگ رود رو هستند. رژیم از اعلام رقم واقعی کشته‌شدگان خودداری می‌کند. اما بنا بر آمار منابع گوناگون در این جنگ تا کنون دستکم ۴۰۰ هزار نفر از زخم‌تکشان ایران و عراق کشته شده‌اند. صدها نفر معلول، ۱۰ هزار نفر نابینا و هزاران تن اسیر شده‌اند. این جنگ باعث آوارگی و در بدری بیش از دو میلیون نفر از هم‌میهنان زخم‌تکش ما شده است. اما خمینی هنوز راضی نیست و خون بیشتری می‌طلبد.

بر اثر این جنگ ارتجاعی ۵۱ شهر و ۳۰۹۱ روستای میهنمان ویران شده‌اند و زیانهای هنگفتی به بار آمده است. تنها تا پایان سال ۶۳ بیش از ۲۰۰ میلیون ریال (یعنی درآمد ۱۰ سال نفت زمانی که قیمتها حدود ۴ برابر قیمت‌های فعلی بود) خسارت جنگی وارد آمده و روشن است که این رقم

۶ سال از جنگ ارتجاعی ایران و عراق گذشت. جنگی که میهن ما در خون و زنج و مصایب دهشتناک ناشی از آن دورانی دشوار و سیاه را می‌گذراند.

رژیم‌های جنایتکار خمینی و صدام با شعله و ترساختن آتش جنگ به استقبال کشت و کشتارهای جنون آمیز تر و بزرگتر می‌روند. جمهوری اسلامی مدتهاست که در فکر "تهاجم بزرگ" است و برای آن ماههاست که تدارک می‌بیند. رژیم همه امکانات و نیروی انسانی را به زور سرنیزه در خدمت تحقق این هدف شوم قرار داده است. از آغاز سال تلاشهای جنون آمیز در جهت بسیج گسترده نیرو جریانی نداشته است. رژیم به انبوه گوشت دم‌توپ نیاز دارد و می‌خواهد با تاکتیک "امواج انسانی" هزاران تن دیگر از جوانان میهن ما را قربانی اهداف ارتجاعی و توسعه طلبانه خود نماید.

سردمداران رژیم تلاشهای جنایتکارانه خود را برای ادامه جنگ و کسب پیروزی نظامی بر رژیم صدام را لازم "دفاع از انقلاب" و شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" را شعار مردم و نمود می‌کنند. خمینی جنگ را "رحمت الهی" می‌خواند. اکنون ۶ سال پس از شروع این جنگ ارتجاعی بهتر از هر زمان

تاکنون بسیار بیشتر شده است. برای جبران این خسارت عظیم سالها شاید نزدیک نیم قرن - زمان و صرف هزینه ها و انرژی های عظیمی لازم است. نسل های آتی نیز باید ثمرات شوم این جنگ ارتجاعی و حاکمیت سیاه خمینی را بچشند.

در حالیکه زحمتکشان میهن ما برای نان شب خود با هزاران دشواری دست بگریبانند، رژیم برای تامین

تومانیا بت جنگ اخاذی کرده است. این رقم در سال ۶۴، حدود ۱۲/۵٪ و در سال جدید به مقدار با زهم بیشتری افزایش یافته است.

جنگ دستاویز سرکوب و دیکتاتوری بی باقها است که اکنون برجا معما حاکم است. رژیم خمینی به بهانه وجود "شرایط جنگی" همه آزادی های سیاسی و دموکراتیک را پایمال کرده، خلقهای میهن ما را به خون



می کشد، زندانها و سیاهلها بی شمار را از انقلابیون و فرزندان راستین خلق انباشته است و با برقراری گسترده ترین رژیم ترور و اختناق هر صدای آزادیخواهانه و صلح طلبانه را خفه می کند.

آری این جنگ جزکشتن

بقیه در صفحه ۲۶

هزینه های سرسام آور جنگ بی مهابا آنها را غارت می کند. بنا بر این - اعتراف نخست وزیر در سال ۶۳ هزینه های مستقیم و غیر مستقیم جنگ بالغ بر ۱۳۰ میلیارد تومان شده است. یعنی رژیم خمینی تنها در ظرف یک سال از هر نفر ۳۲۵ تومان و از هزار خانواده ۵ نفری بیش از ۱۶ هزار

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی!

اوروش يوق بولسون

- چئن انسان لانگ گۆزى آچىلىپ يىگرەننن،
- بلالارنىڭ گۆز باشى سن سىنىڭ اوروش .
- چىڭ پارازىلانگ ايگ ايقماچ لاپ اكيىنن
- پيشگەلرنىڭ سۆز باشى سن سىنىڭ اوروش .
- يۇلونگ دۇشن يىرى يوموريا نىڭ، يىئقىيانگ،
- بارىپ مەكان توتىپ راۋندا باي غوشىلار .
- دورموش گۈلۈن دۇيىپىن سۇغوريا نىڭ، يا قىيانگ،
- دىپە سىندە تۇي توتىپ رلار غورت غوشىلار .
- گۈن باتارنىڭ اىستەگىنى بىتيرىپ
- ايران بىلن عراق حاكىمىت لىرى .
- آلتى يىل بارى آدام زادىنىڭ اتىندىن،
- بۆت ياساپ تۇپ وتا نىڭ اۋىنگۈندە .
- ايكى يىگرىچ دۇزگۈن، ايكى واطىان دان،
- مازارلىق دۇردىيا رعبىت چىكىندە .
- بىرى نىڭ گۆزى يۇق، بىرى نىڭ لى .
- بىرى نىڭ كلەسى يا نىندا يا تى .
- بىرى نىڭ آياغى، بىرى نىڭ غۇلى .
- بىرى يارتى جانلى غا نىندا يا تى .
- اۋيۇندۇلىپ دۇشەگىندە سۇينمە يار .
- ماسلىقى غورت غوشا غالان جىووان لار .

عمر بۆيى آجى سئندان دىنما يىمار،
 يا زى سۆولپ غشا غان جنسان لار،
 شۆل ايكي دۆزگۈنينگ آلتنا ايقلابل
 دىرى گيدن اولى غايدىا رايىزىنسا .
 انهلر ساج يا يىپ يا قاسن چىسك لاپ
 ايكل بيلن اوريا رغورساق - ديزئىنسا .
 آتالار ديش غىسئپ اوغرىن آغلاسا
 چا غالار هيچ زادى دويمانى غالىمار .
 اورش او دون يا قان لاروا غىتن چا غلاسا
 غيزىگلىن نالاسى آسمانا غالىمار .
 اون مۇنگ لىرچە اولى، شۇنچا يارالى
 اوروش ميدانى نىنگ با تلاق لارئىندا .
 كۆر، كرى، لال، آغساق، چۇلاق گۆرگۈلى
 مۇنگ لاپ گۆرسە بوليا رياتماق لارئىندا .
 آچلىق، دورلى كىل، بىشئزلىق، حورلىق
 كۆك اوروپ شا خالاب غاليار آسمانسا .
 فساد، بها چىلىق، ماتمهم زارلىق
 غانلى اورشدان سوغات گلىا رانسانسا .
 انه آتالارنىڭ چكن نالاسى
 بىردىنكأ بىرىگىپ فرىادا دۇنىمار .
 گلىن غيزلارنىڭ هم قان لاله سى
 پاراخاتلىق آدلى زۇرىادا دۇنىمار .
 "يا شا پاراخاتلىق، يوق بۇلسون اوروش"
 دىيان سەسى كۆچمكۆچە آيلانىمار .
 اورشا غارشى چىقان آيغىتلى گۇرش
 گۈن- گۈندن اوچ آلتپ ايلەجاي بوليامار .

نام - نشان غالما زجنگ پــــا را زلاردان
زحمتکش خلق لارینگ بیرلەش گۈنــــی .
آزادلىق يانگلاناردۋرلى ســــا زلاردان
يورت داپارا خاتلىق يرلەش گۈنــــی .
واپان آزادلىقى، ايل - گۈن آدشــــا
ارتجاع نى دۋيبدن سۇغورماق گــــرک .
تاشلاپ اۋنى اۋزى ياقان اۋدشــــا
آزادلىق گۈنەشين دوغورماق گــــرک .

تورکمن سوشجنگ حالقى
جبهه لره کمک اتمانگ !
پرزدلر يىتگيزينگ جبهه اكديلمه گينينگ
اۋنگۈنه گچينگ !
جبهه دن غاچيان لارى غولدانگ،
اۋلاراکمک برينگ !

ياشاسن پاراخاتچىلىق !
يۇق بولسن خمينــــى !

ياشاسين پاراخاتچىلىق، يوق بولسن خمينى

گسترش مبارزه خلق بلوچ

به تسمخر گرفتن فرهنگ، سنن و معتقدات و باورهای مذهبی، درکنار حمایت رژیم از خوانین مزدور و ساواکی‌های بازگشته و مولوی‌های خودفروخته و قاچاقچیان موادمخدر اشرار مسلح و باندهای ضدانقلابی افغانی و همه و همه آنچه‌انچنان شرایطی را در بلوچستان فراهم آورده است که با اجبار راهی جز ایستادگی و مقاومت برای خلق بلوچ در برابر حکام خائن جمهوری اسلامی باقی نمانده است.

اعزام نیروهای نظامی جدید که بنا بر گفته مقامات مسئول بلافاصله افزایش خواهند یافت و همینطور سفرها و دیدارهای متعدد مقامات بلند پایه قضایی و نظامی رژیم از منطقه و تدارکات رژیم برای سرکوب خلق بلوچ بویژه در یک سال اخیر همگی حکایت از رشد و گسترش مبارزات حق طلبانه خلق بلوچ دارد.

مقاومت مسلحانه خلق بلوچ در برابر رژیم جمهوری اسلامی، همراه با افزایش اعتراضات و حرکات توده‌ای رشدنا رضایتی مردم، افزایش فعالیت افشاگران نیروهای سیاسی مترقی در منطقه، سبب وحشت و هراس رژیم گشته و برای درنطفه خفه کردن آن به ایجا دپایگاههای نظامی و زندانهای جدید و بخدمت گرفتن پاره‌ای از خوانین مزدور، مولوی‌های

تا بستان سال جاری شاهد زو خوردن های متعددی میان نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی و مبارزین خلق بلوچ بودیم. چنین درگیریهایی به خصوص در طی یک سال اخیر که رژیم جمهوری اسلامی فشار فزاینده خود را بر جنبش اعتراضی و بیهوش مردم بلوچستان شدت بخشیده است بکرات مشاهده گردیده است. سؤال اینست که چه چیزی واقعا سبب چنین وقایعی در منطقه بلوچستان ستم دیده می‌گردد؟ مبارزه به اصطلاح علیه قاچاق و قاچاقچیان چنانکه رژیم جمهوری اسلامی ادعا می‌کند و مقاومت خلقی آزاده و ستم دیده که برای گسستن زنجیر فقر و بندگی بپا خاسته است؟

خلق بلوچ حقیقتاً روزهای بس دشواری را سپری کرده و می‌کند. امروز دیگر ورشکستگی و خانه خرابی هزاران دهقان و استثماریان را در کنار افزایش بیکاری و ازدیاد میزبان مهاجرتها به کشورهای همجوار و شیخ نشینها و زندانی و شکنجه عناصر مبارز بلوچ، اشاعه مرقاچاق موادمخدر توسط خود دست اندرکاران رژیم در بلوچستان برکسی پوشیده نیست.

گسترش دامنه فقر و محرومیت، کم‌آبی، شیوع بیماریهای گوناگون بدلیل فقدان امکانات بهداشتی، کمبود و حتی نبود پزشکی، بیکساری فراگیر، اعتیاد و وحشتناک گرسنگی و

فرد فروخته و ساواکی ها دست زده است .
 ما علیرغم همه این دسیسه ها ،
 جنبش انقلابی خلق بلوچ در راه آماج -
 های ملی و دموکراتیک و کسب
 خودمختاری در ایرانی مستقل و آزاد
 ایرانی قارغ از هرگونه ستم اجتماعی
 و نفاق ملی گسترش می یابد . خلق مبارز
 بلوچ همچنین حساب خود را از سلطنت -
 طلبانی که در بلوچستان باقی مانده و
 یا در پاکستان و شیخ نشینهای خلیج
 لانه کرده اند و فرصت طلبانی که در پی
 سودجویی از نارضایتی زحمتکشان
 بلوچ هستند ، جدا می نماید .

اعتقاد دارد که درگیریهای اخیر
 منطقه بلوچستان مرحله نوین کیفی
 در مبارزات روبه رشد خلق بلوچ بوده
 که مشحون از اراده مصمم خلقی آزاد
 برای گسستن زنجیرهای جور و استبداد
 است . کانون فرهنگی و سیاسی خلق
 ترکمن ضمن حمایت از مبارزات حق -
 طلبانه خلق بلوچ در راه کسب خود -
 مختاری در چارچوب ایرانی آزاد و
 دموکراتیک اعتقاد دارد که تنها
 اتحاد حزب و سازمان های
 انقلابی و دموکراتیک کشورمان قادر
 به تضمین پیروزی قطعی خلقهای
 سراسر کشور بر رژیم ارتجاعی و ضد -
 خلقی جمهوری اسلامی است و تنها به
 نیروی اتحاد رزمجویان نه خلق های
 میهنمان است که می توان در فرسش
 رهایی ملی و اجتماعی را در سراسر
 کشور به اهتزاز در آورد .

خلق ترکمن که خود نیز بمثابه یکی
 از خلقهای تحت ستم در ایران مورد
 تحقیر و سرکوب حکام خائن رژیم بوده
 می باشد همواره پشتیبانی خود را از مبارزات
 برحق خلق بلوچ اعلام نموده است .
 کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

شماره ۱۰

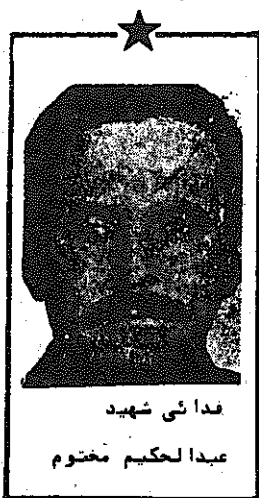
زیبیشنها د حزب دموکرات

استقلال ، آزادی ، عدالت اجتماعی را
 در بر میگیرد . در برنا مه جبهه
 میبایستی رهایی خلقهای میهنمان
 از ستم ملی منظور گردد .
 در راه تشکیل چنین جبهه ای که
 می تواند تمام نیروهای سیاسی ایران
 بجز سلطنت طلبان و وابستگان به
 امپریالیسم جهانی به سرکردگی
 امپریالیسم آمریکا و حامیان رژیم
 جمهوری اسلامی و طرفداران سازش
 با امپریالیستها را در بر بگیرد ،

می توان از اتحاد عمل در مورد مسائل
 مختلفی که هم اکنون در برابر جنبش
 قرار دارد ، سود جست . این اتحاد
 عملها اکنون می تواند در رابطه با
 اقدام مشترک برای بسیج توده ها
 علیه جنگ و باطل صلح ، آزادی
 زندانیان سیاسی و ... شکل بگیرد .
 بنظر ما گشودن باب گفتگو میان
 نیروهای ضد امپریالیستی و
 دموکراتیک به تفاهم و نزدیکی آنان
 یا ری رسانده و راه را برای اتحاد
 جبهه ای آنان هموار و هموارتر
 می سازد .

مستحکم باد پیوند خلقهای سراسر کشور

تورفتی و داغ تو در سینه ما ند
به دل آتش عشق دیرینه ما ند



فدائی شهید
عبدالحکیم مختوم

به یاد فرزند دلاور خلق ترکمن

معلم شهید

حکیم مختوم

چهره آفتاب سوخته و استخوانی ،
نگاه های عمیق و پرسشوالش با آدمی
چنان بی پرده و صمیمی سخن می گفت که
نمی شد در مقابلش ساکت ایستاد و لب
به سخن نگشود .

حکیم در یکی از خانواده های
زحمتکش گنبدکا و س متولد شد . از او آن
کودکی با فقر و محرومیت دست بیه
گریبان بود و مرا رت های زندگی
در آلود زحمتکش را با اعمالق
وجودش لمس کرد . ولی علی رغم این
مشکلات با جدیت و پشتکار درس خواند
و علاوه بر فراگیری دروس مدرسه تا
جاییکه برایش امکان داشت بمطالعه
کتاب با مضامین اجتماعی - انقلابی
پرداخت . او از دوران کودکی شاهد
ستمهای وحشیانه ای بود که
کارگزاران و دست نشانده ترکم
بر خلق محروم و ستمدیده ترکمن
روا می داشتند . از این رو خشم و نفرت
وی نسبت به نظام مستشاری روز بروز
افزایش می یافت و درد دل جوانش آتش
مبارزه بر علیه این رژیم ضد بشری
و بسته به امپریالیسم جهانی بیش
از پیش شعله و رتر می گشت و در قلب پر
امیدش آرزوی بزرگ رها یی
محرومان و زحمتکشان از جنگال ظلم

و بیعدالتی ریشه می بست .

حکیم پس از گرفتن دیپلم متوسطه
وسپری ساختن دوره سر با زی در سپاه -
دانش ، در آموزش و پرورش گنبد
استخدام گردید و در یکی از روستا های
شرق امین شهر به کار معلمی مشغول
شد . از آنجا بیکه با درد محرومان
و زحمتکشان از نزدیک آشنا بود خیلی
زود با زحمتکشان روستایی که در آن
بکار معلمی اشتغال داشت اخت شد و
با آنان رابطه ای نزدیک و صمیمی
برقرار نمود . زبان حکیم زبان
انسان زحمتکش بود و برای دهقانان
غارت شده ترکمن صخره زبانی دلچسب
و قابل اعتماد ، از این رو با وجود
اینکه در منطقه ، جورعب و اختناق
شدید حاکم بود و کوچکترین اعتراضی
نسبت به نظام موجود بطرز وحشیانه ای
سرکوب می گردید ، زحمتکشان
روستایی خیلی راحت با او درد دل
می کردند و مسائلشان را با وی در میان

می‌گذاشتند .

حکیم در روستا با فلاکتهای زندگی پررنج روستائیان محروم و عقوبت نگهداشته شده ترکمن صحرا دقیق تر و عمیق تر آشنا شد ، و در وجود سوادش اش شعله های مبارزه بر علیه نظامی که سرمنشا همه این بدبختیها بود گرمتر و پرسوز تر زبانه می‌کشید .

حکیم با او جگری جنبش توده ای مردم قهرمان ایران علیه رژیم امریکایی شاه خائن بلافاصله به جنبش پیوست و همراه او همدوش با سایر جوانان انقلابی منطقه جان برکف گرفت و به مبارزه پرداخته و در کنار قهرمان ملی خلق ترکمن "توماج" و سایر همرزمانش در ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا در سازماندهی مبارزه زحمتکشان منطقه نقش ای بر جسته داشت و در جهت تحقق اهداف انقلابی ستاد و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن لحظه ای از تلاش باز نایستاد ، او مبارزی خستگی ناپذیر و یا و روغمخوار محروم و نوستمدیدگان و دشمن آشتی ناپذیر ظلم و بیعدالتی بود .

دشمنان قسم خورده مردم و انقلاب دشمنان کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا پیوسته در اندیشه انتقام کشی از خلق بیچاره ترکمن که همدوش با زحمتکشان سایر خلقهای قهرمانان ایران ، علیه ارتجاع و امپریالیسم مبارزه می‌کردند ، بودند و برای نابودی فرزندان انقلابی این خلق نقشه های کثیف و خائنانه می‌کشیدند . همزمان با اولین سالگرد انقلاب مرتجعین سیاه دل جمهوری اسلامی

با همدستی زمینداران بزرگ دیگر خائنین محلی ، برای خلق رنج دیده ترکمن هدیه تلخ و دردناک را تدارک دیدند . در ۲۹ بهمن سال ۵۲ حکیم را به همراهیانش توماج ، و احسانی چرخانی مخفیانه و بدون محاکمه اعدام کردند ، و اجساد تیرباران شده این گوهران صحرای داغ دیده ترکمن را بزدلانه در بیابان انداختند . این جنایت وحشیانه بدستور شخص خمینی ، تحت لوای رژیم بغاییت ارتجاعی و ضد بشری جمهوری اسلامی انجام گرفت . بدین ترتیب خون پاک این فرزندان وفادار خلق بر کارنامه سراسر ننگو جنایت رژیم جمهوری اسلامی جاری گشت و داغ ننگ دیگری بر پیشانی ننگین خمینی جلادافسزوده شد .

خبر این جنایت ننگین در سراسر ایران توسط نیروهای انقلابی منتشر شد و بدنبال آن بانگ اعتراض خشمگین مردم در تمام کشور طنین انداز شد . زحمتکشان قهرمان ایران بویژه در کردستان ، تهران تبریز ، بندر ترکمن ، گنبد و غیره طی تظاهرات و راهپیمایی عظیم ، خشم و نفرت خود را نسبت به این جنایت خائنانه اعلام داشته ، مصرا نه خواستار دستگیری و مجازات عاملین آن شدند . خلق زجر دیده ترکمن با شرکت گسترده دهها هزار نفری خود در مراسم تدفین ، چهلم ، . . . توماج ، مختوم ، و احدی و چرخانی پیوند غرور آفرین خویش را با آرمان و الاورا هپرافتخار فرزندان انقلابی خود به نمایش گذاشتند و مشت محکمی بر دهگان یا وه سرای حکام خائن و بیشرم جمهوری

بقیه در صفحه ۱۶



" گیدەلینگ دوشمان اۋستۈنە "

بیگیت لیریم ، سۆزۈم آلئنگ
گیدەلینگ دوشمان اۋستۈنە
آت - یاراغلی تاپیار بۇلونگ
مۈنەلینگ بدواۋستۈنە .

* * *
غۇچ بیگیت لراۋیدە یاتماز
اۋتروپ - توروپ قارار اتمز
اندیشەدن هیچ ایش بیتمز
آبرای آلا لئنگ دستینە

* * *
بیرینگ یانا مرتلر گل سین
نامارت بۇلسا اۋیدە غال سین
الدە یایداق لاردیکل سین
بیرلش ارتجاع قاصدینسا .

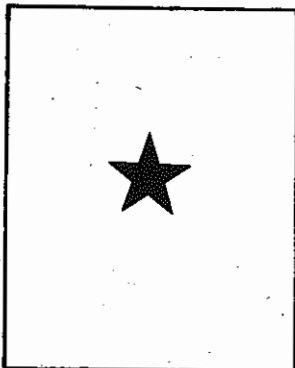
* * *
یا تئرمالئنگ اۋزحوشونا
اۋیون سالالئنگ باشئنا
دۇرت یاندان گچیپ داشئنا
سالالئنگ آباق آستئنا .

* * *
آیدار "بایرام" سۆزۈم حاقدر
قازایتمان ، اۋلۈم یوقدور
باغتئنگ آج جاق شول گۇرشدیر
چۇزالئنگ دوشمان اۋستۈنە .

* * *

گرامی باد خاطرۀ فرزند مبارز خلق ترکمن

حالی حالی زاده (آلقر)



...حالی حالی زاده آزاد با بدگردد
رزمنده راه خلق آزاد با بدگردد

این جملات مضمون شعاری را چه ای
بود که بر سر در مسجد جامع شهر گنبد
نصب کرده بودند. در شهر شایع شده
بود که حالی را اعدام خواهند کرد.
تابستان سال ۵۹ بود. در مسجد
جامع، مردم بخاطر آزادی حالی
تحصن کرده بودند. پاسداران ارتجاع
همین تحصن آرام مردم را نیش
نمی توانستند تحمل کنند. تمام
خیابانهای اطراف مسجد را محاصره
کرده بودند و ما هشدار میدادند
هدف ارباب و تهدید مردم بود ولی
علیرغم این حرکات مردم به تحصن
می پیوستند و همگی خواستار آزادی
این فرزند دلاور خلق بودند. از همه
جا آمده بودند زحمتکش روستاهای
اطراف که او را میشناختند، مردم شیر
که می دانستند بجرم دفاع از
منافع خلق ستم دیده ترکمن و مبارز
در راه محرومان به بند کشیده شده
است... هیچگاه قیافه مسافر
پیرش را زیاد نمی برم با آن موهای
سفید و صورت گشاده، آثار سالیان
دراز رنج و زحمت از پشت خمیده اش
پیدا است بخاطر آزادی فرزند مبارز
از روستا بلند شده و آمده بود تا
همراه با دیگر مادران شهید
و خانواده های زندانیان بست بنشینند
درست همین قیافه را در محوطه
زندانیان شهربانی نیز دیده بودم

وقتی به ملاقات حالی رفته بودیم
چهره آلقر با صورت کشیده و
استخوانی و لبخندی متین، در پشت
میله های زندان بیاد می افتد
زیاد حرف نمیزد... هر وقت حرف
مزد صدایش با صدای دیگر زندانیان
و کسانی که برای ملاقاتی به زندان
آمده بودند، درهم می آمیخت و شنیده
نمیشد... مادر به همه آنها
سلام برسانید.

... شماها رفقای حالی هستید
مواظب باشید بوقت شما را هم نگیرند
... این را ما در می گفت. چه میشود
کرد قلب یک مادر را در آرد و نمی خواهد
رفقای پسرش نیز بدست آیین
دژخیمان گرفتار شوند... چند
هفته نگذشته بود که یکروز خبر
اعدام نا جوان مردانه اش را شنیدیم
و بلافاصله بطرف شیر و خورشید شهر
راه افتادیم. تعدادی از جوانان
شهر که خبر را شنیده بودند در محوطه
بیرون بیمارستان اجتماع کرده
بودند. خانواده حالی برای بردن
جسدش آمده بودند... لحظه ای بعد
پیکر عزیزش را که لای پتو پیچیده
شده بود از محوطه بیمارستان بیرون

به یاد فرزند دلاور خلق

اسلامی و سایر دشمنان آشتی ناپذیر
 خلق قهرمانان ایران گردیدند .
 اکنون قریب هفت سال از این
 ماجرای دردناک می گذرد . طی این
 هفت سال کارنامه سیاه خمینی جلاد
 و رژیم خونریزش سراسر مشحون از
 جنایات هولناک و خیانتهای بیشمار مانده
 است . اکنون کمتر خانواده ای از خلق
 در بند و ستم دیده های پرازمی توان
 یافت که تیغ اسلام پناها نه رژیم
 ضد بشری ، قرون وسطایی و بغایت
 ارتجاعی جمهوری اسلامی منون مانده
 و در سوگ عزیزی ننشسته باشد . اکنون
 در دل پر خون تمامی زحمتکشگان
 بلادیده و درد کشیده میهنمان ، شعله های
 آرزویی واحد زبانه می کشد . آرزوی
 رهایی از چنگال خونچکان رژیم
 ددمنش و جنایتکار جمهوری اسلامی .
 فرزندان وفادار خلق ،
 همزمان حکیم در ترکمن صحرا و سایر
 نقاط ایران همچنان همراه با مردم
 مبارز و قهرمانان ایران با عزمی راسخ
 و ایمانی استوار پرچم مبارزه
 را برافراشته نگاه داشته اند و مصمم تر
 از هر زمان دیگر به نبرد انقلابی خویش
 در راه سرنگونی جمهوری اسلامی و رهایی
 خلقهای ایران از چنگال سیاه ظلم
 و بنیعدالتی ادامه می دهند .
 گرامی باد یاد دو خاطره فرزند
 قهرمان خلق ترکمن ، معلم شهید
 حکیم مختوم
 جاودان باد خاطره شهدای به خون
 خفته خلق !

آوردند . . . با و رمان نمیشد یعنی
 دیگر جالی در بین ما نیست . القتر
 مقاومت کرده بود حاضر نشده بود سراسر
 خلقش را فاش کند ، حاضر نشده بود
 از راه خلقش که راه رهایی تمامی
 مردمان و ستمدیدگان است ، بساز
 بماند و ننگ رسوائی را بر پیشانی
 زند . مراسم تدفین این مبارز راه
 خلق علیرغم تهدیدارگانهای حکومتی
 که از هرگونه تجمع مردم هراس داشتند
 با شرکت گسترده دهقانان زحمتکش
 و مردم مبارز و انقلابی ترکمن صحرا
 برگزار شد . . . در آنجا با زهم ماسادر
 را می بینم یا موهای سفید سفید
 چهره اش از قبل شکسته تر و چروکید
 تر بنظر می آید . از دور ما را شناخت
 نزدیک که شدیم در آغوشمان گرفت
 زیر گوشم زمزمه میکرد . . . میدانستم
 که این جلادان فقط خون میخواهند
 جالی را هم گرفتند . . . ولی او تا
 آخرین لحظه به آرمان پاکش ، به
 خلقش وفادار ماند . . .

. . . هنوز هم هر وقت از شهر کلاله
 بیرون میروی در چند کیلومتری آن
 نرسیده به روستای "قره خوجه"
 زادگاه جالی ، تپه ای بچشم میخورد
 "القتر دپه" تپه ای که روی آن پیکر
 پسر جالی را به خاک سپرده اند
 زحمتکشان روستایش این تپه را به
 پاس مقاومت و عزم راسخ وی در
 دفاع از حقوق پایمال شده شان به
 نام انقلابی جالی نامگذاری
 کرده اند .

بیان مزارش پرازگل کنیم
 چنین یادی از خون بلبل کنیم

شهید خلق ترکمن راهت ادامه دارد

“بگلا”

واطان اوجين چئقدئم غيرات اوستونه
تاجانئم چئقئنجا ، دؤنمنم ، بگلا!
ديكديرسريم ، دؤشمن دوشمان استئنا
سيل دى آقسا - غاندان غانما نام ، بگلا!

* * *

ايليم اوجين شيرين جاندان گچرمن
دؤلدؤل مۇتۇپ ، غانات باغلاپ اوچارمن
نامارت دالم ، حاقدان قاسام ايجرمن
يانئىپ دوران نارمن ، سؤنمنم ، بگلا!

* * *

يسيرغلامز ، اوغلان اوشاق آغلانئىپ
اودا دؤشمن ، عاشق يورک داغلائىپ
منهم شوگون مورتضادان جاغلائىپ
قاسام قئلدئم ، وندان دانئمنم ، بگلا!

* * *

توما شارايلانحر قئلان اورشوما
بؤزمونگ لشگرچئقا بيلمز غارشما
اربيگيت من ، مرت ليک بيلن دورشوما
اودا اورارلار ، منهم يانما نام ، بگلا!

* * *

“ارمن” ديين چئقسئن بيله يورما گه
لشگرتا رتئيه ، ميرحايدي اوريا
ايل گون اوجين شيرين جانئم برما گه
اوردوم باشئم ، شرتدن سئنا نام ، بگلا!

* * *

حاق اذلدىن سالدئ منى بويولا
جان بىرمە يىن، دىبرى دۇشمىنم غۇلا
توماشا قىلغىنگ لار بولاقان سىلە
فيچە غان يىوتدىم، غانما نام، بگلسر !

* * *

اردن اوندۇم، ارلىك بىلن اولرمىن
كىم دۇستوم، دوشما نىم - پارخىن بىلرمىن
سۇوشدە آغلان، شات من، گولرمىن
تامارت بۇلۇپ دۇنيا اينمىن، بگلسرا !

* * *

يات قىلارمن گۇرا وغلغىنى، زامانى
على مورتضانى - شا هىمىردانى
رۇستم زال، ايسگىندر، غا جارپالوانى
اورتا آتدىم، گۇپۇنگ سانما نام، بگلسر !

* * *

سىدى چىقدئ آتتىن - ياراغىن بىلاب
غان گۇردى گۇزلىرىم، يۇرك ھۇوسلاپ
غا چمانام، اولرمىن، گۇپ لىشگرا بىلاب

سۇوش اوچىن چىقدىم، دۇنمىم، بگلسر !

شعرى از "سىدى" شاعرورزمنده خلق تركمن



کمیته شاعر تهیدستان



در قرن ۱۹ میلادی خلق ترکمن در وضعیت بسیار دشوار و بفرنجی میزیسته، از یک طرف دولت‌های فتوادلی همسایه با دامزدن به اختلافات طایفه‌ای، سیاست استیلاگرانه غصب سرزمینهای ترکمن‌ها را پیش می‌بردند از طرف دیگر اندیشه‌های مترقی در ارتباط با سرنوشت واحد مشترک خلق جهت فائق آمدن بر تقابل‌های طایفه‌ای و تامین وحدت ملی شکل میگرفته تا شیر این اندیشه‌ها، بر زندگی خلق ترکمن در قرن ۱۹ آشکار و محسوس است.

در بخش شرقی سرزمین ترکمن‌ها، توسط خان خیوه، بخش مرکزی آن از طرف امیر بخارا و قسمت‌های جنوب غربی و مناطق همجوار خراسان آن از جانب شاهان ایران همواره مورد تهاجم و غارت قرار می‌گرفت. پراکندگی خلق ترکمن و عدم وجود دولت واحد، از شکل‌گیری مقاومت یکپارچه در برابر این جملات جلوگیری میکرد. با استفاده از این موقعیت خوانین خیوه امیران بخارا و فتوادلهای ایران و افغانستان همواره یورشهای غارتگرانه خود را بر علیه ترکمنها سازمان می‌دادند. هر یک از تهاجمات تاراجگرانه بسنه هلاکت تعداد زیادی از انسانهای بی‌گناه و یابانه اسارت بردن آنان منجر گردیده و به تخریب و نابودی اراضی کشاورزی می‌انجامید. فشار و سنگینی این غارتها و مظالم را بیش از همه توده‌های زحمتکش متحمل می‌گشتند. این وضع در آثار و خلاقیت‌های خلق و در آثار نمایندگان برجسته ادبیات ترکمن عمیقاً تاثیر گذاشت.

تا اوایل قرن نوزدهم، وسایل تولید و نیروهای مولده عمدتاً در دست افراد جداگانه متمرکز گشته و نظام فتوادلی و سیستم فتوادلی تولیدرشد معینی کرده بود. در عرصه ادبیات مردمی نمایندگان برجسته ادبیات مترقی، همچون کمیته، سیدی، ذلیلی، ملانفس، ماتاجی پایه عرصه نهادند که هر یک از آنان تلاش می‌ورزیدند بگونه‌ای وضعیت دشوار حاکم بر خلق ترکمن را در آثار خود منعکس نماید. در میان آنان می‌توان از کمیته‌سسه نام برد که نقش بسزائی در غنا بخشیدن به ادبیات کلاسیک خلق ترکمن ایفا نمود.

کمیته، در سال ۱۷۷۰ در سرخس در خانواده‌ای فقیر متولد شد و بسال ۱۸۴۰ نیز در همان مکان دیده از جهان فرو بست. وی از زمره شعرائی بود که علم و هنر و خلاقیت خود را در خدمت به خلق و سعادت انسانها قرار داد و از هیچ کوششی برای تسلط بر مشکلات دریغ نورزید کمیته علاوه بر زبان مادری اش با آثار نویسندگان خلقهای آذربایجان

ازبکه، تاجیک و ایران و همچنین با آثار شعرای خاور نزدیک و میانه از آن جمله نظامی گنجوی، علی شیرنواژی، ابوالقاسم فردوسی، سعدی، جامی میرزا بیدلی، عبیدزاکانی هم آشنا بود.

بحث و تبادل نظری با شعرای ترکمن معاصر خویش شا بنده، طالبی ملانفس، آمان و محمدی در رابطه با مسائل روز آن زمان یکی از سرچشمه های ایده های شاعر نسبت به جهان مادی بوده است. آستانمار بیرحمانه دهقانان و پیشهوران، فقرا و زحمتکشان و پایداری شدن حقوق سیاسی - اجتماعی آنها از طرف حکام محلی، خانها و فئودالها و روحانیون مرتجع در شرایط مناسب فئودالی آن زمان، سطح رشد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی مردم و وجود نفاق و اختلاف در بین آنها، همچنین یورش پی در پی بیگانگان و چپاولگران به سرزمین خلق ترکمن که شاعر خود آنرا به عینه مشاهده می نمود در شکل گیری جهان بینی کمینه تاثیر بسزائی نموده است.

کمینه، تقسیم انسانها به فقیر و غنی و غارت محصول دسترنج فقرا و زحمتکشان توسط اغنیا را به دیده نفرت نگریسته است. وی ضمن دعوت زحمتکشان به یکپارچگی و وحدت در مبارزه برای بهبود شرایط سیاسی اقتصادی، اجتماعی خویش به مالکان و ثروتمندان و روحانیون مرتجع و جیره خواران آنها که از حاصل دسترنج دهقانان زحمتکش امرار معساش می کردند هشدار میدهد که بالاخره رنجبران بر علیه آنها بپا خواهند خاست شعر "قاضی" نمونه ای از آن است.

کمینه گپیم گپ بولار
غا ریب لار سیزه چپ بولار
چین تهمت سیزه ایلنه قاضیم
موضوع حائز اهمیت دیگری که در میراث معنوی کمینه به چشم میخورد وجود طیف وسیعی از فلسفه دیا لکتیک ساده در رابطه با حرکت ماده، تغییر و تضاد موجود بین عناصر مختلف تشکیل دهنده آن می باشد شاعر همچنین پی برده است که دوام و تغییر پدیده ها و حوادث وابسته به شرایط مشخصی است. شکل گیری چنین امری در ذهن شاعر با توجه به وضعیت تاریخی آن مقطع از اهمیت ویژه ای برخوردار است. کمینه به دست آورده های علوم و روشد فکری انسانها بالاترین ارزشها را قائل می شود.

عقلئنگا ایش بویور اجیزلیک ادمه
ایش سالئش سالنگ آژداها دانغا یتما

شاعر در بهترین آثار خود، مردم زحمتکش را به مبارزه علیه کسانیکه سرزمین خلق ترکمن را به زندان خلقش تبدیل نموده اند فرامی خواند از آنها می خواهد که جهت دفاع از جان و مال و ناموس توده مردم از هیچ کاری روی نگردانند و علیه "آژدارها" یعنی اغنیا، خانها و روحانیون مرتجع بپا خیزند.

کمینه معتقد است که مضمون واقعی وطن پرستی و مبارزه بر علیه دشمنان داخلی و خارجی میهن در دل طبقه زحمتکش جای گرفته است و بسا نیروی توانای آنها جا مه عمل می پوشد، نه توسط کسانیکه شب و روز بفر مال اندوزی خویش اند و در جهت حفظ منافع شخصی خود حتی از خیانت به خلق

ووطن نیز روی گردان نیستند. در شعر " غاریب" فرق بین وطن پرستان و خائنین نشان داده میشوند که این امر در قطعه شعر زیرین غاریب بخوبی بازگو گردیده است.

با یلار ایهیدن آرار، پوقارا . حوببول واطان
غارق بولار دییلرشونگا ، کیم ایکی گامین توتان
گۆزه گۆرنن غیزی بول، هانتا مادثر هرپیه تن
هم غاریب لبق دان کمینا گ ایچلری اوتلی توتون
ایل گۆجر، غالریورته دیری چویران دیر غاریب

مطالعه آثار شاعر و آشنائی با روایاتی که درباره وی تعریف شده می شود کاملاً مؤید این امر است که کمینه نه تنها از زحمتکشان خلق ترکمن، بلکه از تمامی زحمتکشان خلقهای برادر جانبداری کرده و آنها را به دوستی و یکپارچگی دعوت نموده است زیرا وی درد مشترک خلقها را در رستم طبقاتی و پاپیمال شدن حقوق سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی و ملی آنها می بیند. شاعر در شعر " بیله" با بیان عباراتسی

چون
آق ساقال ادرلر اوغلان- اوشاک دان
ما صلاحات سورارلار دوندان، غوشاق دان
غاریب بولسانگه یاغشی گورمز اشک دن
قاضی لار تنگ خالقا اترالی بیله

نشان میدهد که در جامعه طبقاتی به عقل و خرد، علم و دانائی هنر و ذوق انسان اهمیت نمی دهند بلکه دارائی ثروت و وابستگی طبقاتی آنها را ملاک قرار میدهند.

کمینه ضمن وصف زنان و دختران ترکمن بمتنا به بخش عظیمی از توده های زحمتکش خلق که بیش از همه مورد ستم و تحقیر نظام غیر انسانی حاکم بر جامعه قرار می گیرند، ارزش والائی برای کار و زحمت خلاقانه و آفرینش هنری آنان در صنایع دستی قائل میگردد. شاعر بسا سرودن سطوری چون

منیگ دیلیم ، سنینگ النیگ هوناری
نوسفا بولوپ قالستن ایل دن - ایل لره

بر علیه کسانی که زنان و دختران را بسان برده می شمارند و حقوق سیاسی - اجتماعی و اقتصادی آنها را پاپیمال می کنند زبان بر او تیز خود را می تازاند و خواهان برابری حقوق زنان با مردان و احترام به مقام مقدس مادری می شود.

به این ترتیب کمینه شاعر بزرگ خلق ترکمن با انتقاد از رستم طبقاتی و بی عدالتی و سایر جوانب عقب مانده افکار فئودالی، در تقویت حس

نوع دوستی و وطن پرستی زحمتکشان و تشویق آنان به وحدت و ایجا د دوستی و برادری با سایر خلقها ، با دادن آموزشهای اخلاقی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به توده زحمتکش در مبارزه بر علیه استثمارگران و دشمنان خلق، در مجموع با بیان عقاید ضد فئودالی و ضد ارتجاعی خود و با پی گرفتن افکار دمکراتیک دولت محمدآزادی و مختومقلی فراغی به رشد فکری و فرهنگی خلق ترکمن خدمت بزرگی کرده است.

رمز پایداری و محبوبیت مردمی فوق العاده اشعار و داستانهای طنزآلود کمینه درباره زندگی و مبارزه در همین است که سینه بسینه نقل گشته و تار و زگار ما رسیده است.

غانلی حاصرات بیلن گچبیدی بیئل لار
 دۇنیاده غام - غوسا چکدی نسیل لر
 بایلار ظالئم ، گۆزدن آقیار قاسیل لر
 شوتوپراق دا دۇنیا ایندی کمینه .

یومروغئنی دو ویپ گۆر کزدی بایا ،
 غاریپ یوقارا لانگ قالئی ضر - ضایا ،
 مئنا سئب قا ایشان مول لاسر پایسا ،
 سانگا دۇن تاپماق لئق قیندی کمینه .

غایغنی دان شاتلیق دان دۆلی آیدئمئنگ،
 چیتدینگ سن آجائئب سۆبکی اویدیمین،
 باقی ایلرلار سینگ ، بولماز غایدئمئنگ،
 غاریپ لانگ حوساری کاندی کمینه .

آسترلاردان آشدئی آدئنگ شؤهراتئنگ
 شغئرلارئنگ گزیار ، غووشا ماز بادئنگ
 سؤییار سنی ایل - گون ، یاقئئئنگ یادئنگ
 شغئرلانگ دان ماهریم غاندی کمینه .

ترکمنچه مکتب گهرک

اوقوگهرک حاط گهرک

مفهوم چند واژه در موسیقی خلق ترکمن

نقش باخشی‌ها در گذشته و امروز



قدیمی موسیقی ترکمنی دست خواهیم یافت که با موسیقی معاصر این خلق پیوندی ناگسستنی دارد. سخنان فوق بروشنی بیانگر آنست که هنردوتا رنوازی، تاریخی بس کهن دارد. بنا براین بدون بررسی گذشته‌های دور خلق ترکمن، توضیح چگونگی پیدایش این هنر امکان پذیر نمی‌باشد. در اینجا توجه به مسأله دیگری نیز جلب استوان اینک که در گذشته موسیقی نگارای نیاکان ما اساسا شناخته شده است. خدماتی که دست‌انما هربا خشی‌ها و نوازندگان در چنان دوره‌ای ارائه نموده اند پیرا ج و بی بدیل می‌باشد.

دا نشمندو محقق برجسته موسیقی و بلیایف در اثر خود بنام "موسیقی خلق ترکمن" چنین می‌نویسد: "آثار موسیقی ترکمنی اغلب کوتاه بوده، از نظر ریتم و مضمون خود از محدوده یک "کیویتانت" زیبا و اصیل تجاوز نمی‌نماید. این خود گواه دیگری بر قدمت پیدایش و شکل گیری آن می‌باشد. از سوی دیگر پیچیدگی ساخت این موسیقی چه از نظر فرم و چه از نظر طنین‌های زیبا و جلوه‌های متنوع، گواه بارزی بر فرهنگ با لور شدیافته آن می‌باشد. اگر دو ویژگی فوق را که شاخص این موسیقی می‌باشد در رابطه با یکدیگر در نظر بگیریم به نشانه‌های فرهنگ

* نام یکی از فاصله‌ها در موسیقی ،
فاصله بین نت‌های ۵ و

شما زیادی از گنجینه موسیقی و ترانه‌های زیبا و گرانبهای مربوط به گذشته‌های دور، تنها و تنها به همت و کوشش این مردان شگفت بدوران ما رسیده است. این موسیقی که با چنان شیوه‌های دشواری تندپیچهای تاریخ را پشت سر نهاده، در دنیای معنوی خلق قدر و منزلتی وصف ناپذیر دارد. سینه گرم و دل مشتاق توده‌ها ما لامال از سپاس نسبت به با خشی‌ها نیست که هم آفرینندگان این گنجینه بوده و هم با پاسداری جانانه خویش از لایه‌های تاریک قرون گذردا ده و به دست نسلهای امروزی سپرده اند.

پیرامون مفاهیم کلمات "با خشی" "سازاندا" و "دوتارچی" در بین مردم به تعابیر گوناگونی بر می‌خوریم. بنظر تعداد کثیری از دوستداران موسیقی به کسی که به تنها بی‌دوتار می‌نوازد، "دوتارچی" (تکنواز دوتار) به کسیکه همراه دوتار ترانه می‌خواند "با خشی" و به کسیکه همراه با خشی دوتار می‌نوازد "سازاندا" (نوازنده) می‌گویند. این تعبیر اساسا در سنت می‌باشد، اما از سوی دیگر با بد توجه داشت که کلمه با خشی به تمام نام آوران هنر موسیقی اعم از خواننده نوازنده و تکنواز اطلاق می‌گردد، مثلا به دوتارچی‌های نام آوری چون "شوکور" و "کهل" نیز که اصلا آواز نمی‌خوانند بلکه صرفا تکنوازی می‌نموده اند لقب با خشی داده، "شوکور با خشی" و "کهل با خشی" نامیده اند.

کلمه با خشی چه مفهوم می‌دارد؟ در این رابطه علم اللغت (واژه‌شناسی علمی)

معلومات چندی بدست می‌دهد. مثلا آن، اسما یلوچ که در مراحل اولیه بررسی علمی ادبیات ترکمنی کارهای برجسته‌ای را نه نموده بود، در رابطه با کلمه با خشی تذکره زیر را بجا گذاشته است:

"... کلمه با خشی همراه با آیین بودا به میان خلقهای ترک زبان رخنه نموده است. زمانیکه "شاما نی*زم" مذهب توده‌های مردم آسیای میانه بود، آیین بودا به مذهب طبقات حاکم تبدیل گشته بود. بدنبال تقسیم‌بندی دین، کلمه با خشی نیز دو مفهوم مختلف بخود می‌گیرد. از سویی کسانیکه قادر به نوشتن الفبای او یغوری بوده چنین می‌نامیدند. لذا در دوره چنگیزخان (پس از آن تا قرن ۱۵ میلادی) به منشیان دبیرخانه، با خشی می‌گفتند. اما در میان توده مردم کلمه با خشی مفهوم شامان (پرخان)* را می‌رسانده است. این کلمه در معنی خیر خود هنوز در بین قرقیزها و قزاقها با تلفظ "با خشی" متداول می‌باشد. زمانی که شامانیزم تحت فشار ریدین اسلام از صحنه خارج می‌گردد شامان بعنوان خادمین جای خود را به روحانیون اسلام می‌سپارد و با خشی‌ها نیز سا زوآ و زرا بمشابه نشانه‌های زشاما نیزم مشابه ارت می‌برند. بدین ترتیب با خشی‌ها بعنوان پاسداران و اشاعه دهندگان اندر زها ادبیات ملی و همچنین ترانه‌سرایان خلق، نقش بسیار برجسته و ارزشمندی ایفا نموده اند. بنا به نوشته و. و. بارتولد امروزه کلمه با خشی در

بمعنی جا دوگر، کسانیکه در آواز و حرکات آنان نیرویی جا دویی نهفته است می‌باشد.

* اعتقاد به جا دوگری

* در بین ترکمنها این کلمه تقریبا معادل "قطب" در میان دراویش و نیز

در این عرصه درخشانند.

"ازان"

ازان که تقریباً کلمه‌ای قدیمی تلقی می‌گردد در ضرب المثلها و سایر آثار فولکلوریک و نیز در اشعار مکتومقلی به چشم می‌خورد. این کلمه که به معنی باخشی داستانگو و داستان‌پرداز می‌باشد در قرنهای ۸-۶ میلادی در میان اغوزهای قدیم پدید آمده است. در این بابطه پیروفسور بارتولد در یکی از نوشته‌های خود در باره کتاب "قورقوت آتا" چنین می‌آورد: "روایا تقورقوت بدون تردید توسط ازان‌های اغوزهای قدیم ساخته شده است".

"نقش کنونی باخشی‌های مردمی"

"خلق باخشی لر"

همانگونه که اشاره رفت باخشی‌های خلق ترکمن زدیربا زبا توده‌های خلق پیوندی ناگسستنی داشته‌اند. آنان با زگوکننده دردها ورنجها، آمال و آرزوهای ستمدیدگان و بالاتر از آن خود از مبارزین علیه مظالم وسیله-کاریهای حکام جا بر بوده‌اند. اکثر قهرمانان داستانهای حماسی و شاه‌عرا ن مبارز خلق ترکمن در عین حال باخشی بوده‌اند. "گؤرا و غلی" و "سید نظر سیدی" شاه‌عرا نمونه‌های بارز این



بین غالمیقها (مغولها) و منچوری‌ها به روحانیون عالیرتبه اطلاق می‌گردد و در میان قرقیزها و قزاقها با تلفظ باخشی (با کسی) در مفهوم "چشم‌بنسد" پیشگو و کسانیکه بیما را نرابا ادعیه و اوراد معالجه می‌نمایند، بکار برده می‌شود. این کلمه در بین ترکمنها مفهوم خوانندگان مردمانی (خلق) را می‌رساند.

"سازاندا"

کلمه سازاندا احتمالاً در ارتباط با کلمه ساز وجود آمده است. کلمه ساز در بین خلقهای قفقاز به آلت موسیقی شبیه دوتار که "عاشیق‌ها" همراه با آواز خود می‌نوازند اطلاق می‌گردد. کلمه ساز در مفهوم فوق‌درآثار فولکلوریک خلق ترکمن از جمله در داستان حماسی کورا و غلی آمده است. امروزه کلمه ساز در زبانت ترکمنی به معنی موزیک بکار برده می‌شود و به کسی که موسیقی می‌نوازد و یا خلق می‌کند "سازاندا" می‌گویند.

"دوتارچی"

دوتارچی به نوازنده‌ای اطلاق می‌گردد که در هنر دوتار نوازی به حد کمال رسیده و به موفقیت‌های بزرگی نائل آمده باشد. دوتارچی اغلب به تنهایی دوتار می‌زند و یا به عبارتی تکنوازی می‌کند. دوتارچی‌ها در حقیقت دوتارنوازهای حرفه‌ای می‌باشند که

*** معادل عاشیق‌های آذربایجان

* دولت ایله گله ربولسا، باشدان جبرون ازان گله ر

دولت ایلدن گیدر بولسا، ملابیلین توژان گله ر

(اگر اقبال به خلقی روکنند نخست ازان خواهد آمد

اگر اقبال از خلقی روی برگرداند ملا و طوفان خواهد آمد)

*** "دده قورقوت" در بین آذربایجانیها



گونه قهرمانان ملی میباشند .
با خشی های مردمی این سنت مقدس
را در سرتا سرتا ریخ پرفرا زونشیب
خلق خود با شما مت غرور آفرینی حفظ
نموده و می نمایند .

در این برهه دردناک از تاریخ
خلقهای ایران که سرتا سرزمین
کهن و فضیلت پرورمان به ما تمسرای
زحمتکشان وزندان واقعه
آزاداندیشان بدل گشته است و خلق
ترکمن نیز همچنان تحت ستم مضاعف
(طبقاتی ملی) و سیاستهای بغایت
ارتجاعی شوم نیستی حکام
جنایتکار، رنجی جانکاه را تحمل
می نمایند، با خشی های ترکمن همانند
عاشیق های آذربایجانی همچنان
منادی آزادگی، پیکار بی مان و

متحدانه خلقها و زحمتکشان سراسر
میهن علیه سیه کاران ددمنش و مبشر
طلعت پرشکوه خورشیدآزادی و بهار
واقعی ستمدیدگان جامعه میباشند .
در این وانفصا که تمام مقدسات
خلق ترکمن مورد تحقیر و تسمخرایادی
آدمکش و خشکمز رژیم خمینی
در ترکمن صحرا می باشد، فریادهای
پرمفهوم و نافذ خلقهای به همراه
نوای سحرانگیز دوتار، دل تازیکیها
را می شکافد و بسوی افقهای روشن راه
می گشاید و همواره در پیکر خونین خلق
خود روح استقامت، اعتماد بنفس و
امید به آینده ای تابناک را می دمند.
فریاد آنان پژواکی است از خواست
توده های مردم بلاکشیده میهن مان
فریاد صلح، آزادی، استقلال، عدالت
اجتماعی و برابری و برادری همه
خلقها .

عسال کشتار و

جوانان، فقر و بیکاری زحمتکشان
هیچ شمره دیگری در بر نداشتند و
ندارد . "جنگ، جنگ تا پیروزی" شعار
مردم زحمتکش و صلح طلب و خلقهای
میهن ما نیست . شعار رفقا و حکومتیان
و تجار و مالکین بزرگ است . آنها
هستند که از دامه این جنگ سود
می برند . اختناق و استبداد در جلعه
برقرار کرده اند و در پنبه آه آن
زحمتکشان را غارت و سرکوب می کنند،
با احتکار کالاها، با گران کردن هر روزه
قیمتها، با رشوه گیری و فساد، با
حراج نفت و حق دلالی از معاملات
عظیم اسلحه کشورهای امپریالیستی
و هزاران دزدی و حقه بازی سودهای
میلیونی به جیب می زنند و بهترین

زندگی را برای خود و فرزندان شان
فراهم کرده اند، در کاخهای راحت
و دور از خطر لمیده اند و زحمتکشان
میهن ما را به مقابل گلوله و بمب
رژیم عراق می فرستند . این جنگ
براستی برای رژیم خمینی "رحمت
الهی" است اما برای مردم زحمتکش
میهن ما جز درد و رنج بدبختی حاصل
دیگری ندارد .

برای پایان بخشیدن به این همه
درد و رنج و خون و اشک، یگانگه را
گسترش مبارزه است . تنها با مبارزه
متحدانه همه خلقها و ملیتها
کشور می توان رژیم خمینی را به زانو
افکند و دیو جنگ و مرگ و نیستی
را مهار کرد .

ایم گوئیم دو غما سین

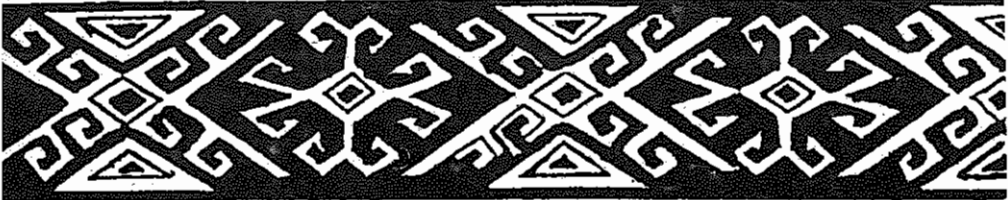
ایلیم گوئیم بولماسا

روشنفکران و مبارزین ترکمن صحرا
خوانندگان گرامی ایل گویچی!

برای غنا بخشیدن به نشریه ایل گویچی با ما مکاتبه کنید.
پیشنهادات، نظرات و انتقادات خود را برای ما ارسال دارید.
مقاله، شعر، خبر، عکس، داستان، طرح، ترجمه، منوگرافی
از روستاها، گزارش از وضع زندگی اقشار گوناگون مردم و
مشکلات آنها و هر مطلب دیگر در رابطه با زندگی و مبارزه خلق
ترکمن را برای ما بفرستید.
از هرگونه همکاری با ایل گویچی دریغ نکنید.
ایل گویچی را وسیعاً بخش کنید و به علاقمندان برسانید!

H. D.
Postfach 106463
2800 Bremen
W. Germany

آدرس پستی:



www.iran-archive.com

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن